



شماره سوم، تیر ۱۳۹۱

۲ سخن نخست

۴ راهبرد نظام

۵ تحلیل

اقتصاد مقاومتی، راهبرد مؤثر نظام ۵ نشست مسکو، جلوه تصلب
غرب ۹ جاسوس افزار شعله و جنگ آشکار سایبری ۱۳ تنش در
روابط ایران و آذربایجان ۱۹ ایران و عربستان گذار از رقابت به
دشمنی ۲۳ ریزگردها، چالش امنیت زیست محیطی ۲۷ سوریه؛
تعمیق بحران، سرایت به لبنان ۲۹ عراق؛ صحنه تکاپو علیه
مالکی ۳۳ پیمان راهبردی آمریکا و افغانستان ۳۷ روابط نظامی -
امنیتی رژیم صهیونیستی و آذربایجان ۳۹ تداوم قیام مردمی،
فراکنی آل خلیفه ۴۲ پوتین و چشم انداز سیاست خارجی روسیه ۴۹
احداث خط لوله تاپی، چالشی برای خط لوله صلح ۵۵

۵۷ نگاه دیگران

برنامه هسته‌ای ایران: مسائل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ۵۸
سیاست اوباما و برنامه هسته‌ای ایران ۵۹

۶۱ اخبار

۶۳ پیش‌نگاه

- مطالب درج شده در ماه‌نگار لزوماً بیانگر دیدگاه‌های پژوهشگرده نمی‌باشد و استفاده از مطالب آن با ذکر منبع آزاد است.

✽ صاحب امتیاز: پژوهشکده مطالعات راهبردی
✽ مدیر مسئول و رئیس شورای سیاست‌گذاری:

سعید نورایی

✽ دبیر: مهدی میرزاده کوهشاهی

✽ شورای سیاست‌گذاری (به ترتیب حروف الفبا):

میرقاسم بنی‌هاشمی، فرزاد پورسعید، دکتر ناصر
علیدوستی، دکتر داود غریاق‌زندی، دکتر محمود یزدان‌فام

✽ هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

میرقاسم بنی‌هاشمی، فرزاد پورسعید، دکتر قاسم ترابی،
احد رضایان، دکتر حسن شکوه، دکتر داوود غریاق
زندی، دکتر محمدعلی قاسمی، دکتر عبدالله قنبرلو، دکتر
مراد کاویانی‌راد، مهدی میرزاده کوهشاهی، دکتر طیه
واعظی، دکتر محمود یزدان‌فام

✽ عوامل اجرایی و فنی: مرضیه خطیبی، مهندس علی

رئیس دانا، اکبر قلی‌یان، احسان مرشدی

✽ ویراستار: لیلا مرادی

✽ صفحه‌آرا: ملیحه کربلایی

✽ طراح جلد: سیدعباس امجدزنجانی

✽ نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان آبان جنوبی، خیابان

رودسر شرقی، پلاک ۷

✽ صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۵۱۸۹

✽ تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۸۰۲۴۷۷

✽ دورنگار: ۰۲۱ - ۸۸۸۹۶۵۶۱

✽ رایانامه: dideban@risstudies.org



پژوهشکده مطالعات راهبردی
تهران



تنش در روابط ایران و آذربایجان

اشاره:

واکنش‌های گسترده و اعتراض جامعه مذهبی ایران به برگزاری مراسم موسیقی «یوروویژن» در باکو و پیامدهای ناشی از آن باعث شد تا سطح روابط سیاسی جمهوری اسلامی و جمهوری آذربایجان در خرداد ماه کاهش یابد؛ اما به نظر می‌رسد، موضوع یوروویژن بهانه‌ای برای سر باز کردن اختلافات راهبردی دو کشور در دو سال اخیر باشد. گزارش حاضر با تمرکز بر تأثیر سه موضوع رشد اسلام سیاسی در جمهوری آذربایجان، روابط و همکاری‌های نظامی - امنیتی با رژیم صهیونیستی و تلاش برای تقویت ناسیونالیسم قومی در ایران، به تحلیل زمینه‌های تنش در روابط دو کشور می‌پردازد و پیشنهادهایی را برای مدیریت تنش و عادی‌سازی و بهبود روابط دو کشور عرضه می‌کند.

مقدمه

هرچند روابط ایران و جمهوری آذربایجان در دو دهه گذشته فراز و نشیب زیادی را داشته است، فراخوانی سفیران دو کشور از طرف دولت‌های متبوع در نیمه اول خرداد سال جاری نشان دهنده اوج تنش میان دو کشور طی چند سال اخیر است. مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی، تاریخی و فرهنگی در عین حال که زمینه‌ای برای همکاری و روابط نزدیک دو کشور بوده، در مقاطع مختلف، به عامل تنش و مانعی برای هم‌گرایی و پیوند استراتژیک بین ایران و آذربایجان تبدیل شده است. در کنار نقش آفرینی دو گانه این مؤلفه‌ها، مسائل و ویژگی‌های ساختاری متمایز در داخل و سیاست خارجی متفاوت، بستر مهمی بوده تا تعارضات و اختلافات بین دو دولت در قالب اتهامات جدید سیاسی - امنیتی بازتاب پیدا کند؛ در نتیجه، تداوم این اتهامات در چند سال گذشته زمینه‌ای برای افزایش بی‌سابقه اختلافات و کاهش سطح روابط سیاسی و حتی اقتصادی در بهار ۱۳۹۱ به شمار می‌آید.

اسلام‌گرایی، زمینه‌ای برای تنش در سیاست خارجی

با توجه به اینکه دولت آذربایجان، نظامی سکولار و مبتنی بر آموزه‌های غیر دینی است، رشد اسلام‌گرایی، به‌ویژه اسلام سیاسی را در میان اکثریت شیعه این کشور تهدید امنیتی بزرگی برای ثبات سیاسی و بقای خود ارزیابی می‌کند. نظر به اینکه بخش مهمی از فعالان مذهبی شیعه آذربایجان متأثر از نهادهای مذهبی جمهوری اسلامی است دولت «الهام علی‌اف» در ماه‌های اخیر، محدودیت‌های متعدد و گسترده‌ای را برای اسلام‌گرایان ایجاد کرده است. از جمله تلاش‌های دولت برای وارد آوردن فشار بر اسلام‌گرایان شیعه در این کشور می‌توان بدین موارد اشاره کرد: تصویب رسمی ممنوعیت حجاب در مدارس؛ ممنوعیت‌های جدید در برگزاری آیین‌های مذهبی؛ ایجاد محدودیت‌های قانونی و غیرقانونی شغلی و استخدامی برای جوانان به دلیل حضور در حوزه‌های علمیه دینی ایران؛ انحلال «حزب اسلام» و خودداری از صدور هرگونه مجوز برای انجمن‌ها و سازمان‌های اسلامی - شیعی؛ جلوگیری از آزمون جذب طلبه علوم اسلامی برای حوزه علمیه قم و بازداشت و اخراج کارشناسان اعزامی مرکز جهانی علوم اسلامی از باکو؛ دستگیری و حبس مکرر رهبران سیاسی مذهبی مانند دکتر «محسن صمداف» رهبر حزب اسلام و روحانیون سرشناس مانند «حاج آبگل سلیمانف» «حاج رامین بایراموف»، مدیر سایت اسلام‌گرای اسلام - آذری و «عارف غنی‌اف»، مدیر شعبه امور تشکیلاتی حزب اسلام،



با اتهامات غیرمعقولی مانند حمل مواد مخدر و نگهداری سلاح و تلاش برای سرنگونی دولت. این محدودیت‌ها در حالی انجام می‌گیرد که راهبرد اداره روحانیت قفقاز و کمیته دولتی امور دینی، ترغیب و اعزام علاقمندان علوم دینی برای تحصیل در کشورها و مراکز دینی اهل سنت مانند مصر، ترکیه و عربستان و ایجاد امکان فعالیت گسترده مذهبی این کشورها و نیز اجازه فعالیت‌های تبلیغی و آموزشی گسترده میسیونرهای مذهبی غربی در این کشور است؛ بنابراین، هدف بدیهی این اقدامات را می‌توان دور کردن اسلام‌گرایان شیعه آذربایجان از مراکز و آموزه‌های اسلام سیاسی در ایران و کاهش نفوذ مذهبی جمهوری اسلامی در این کشور دانست.

مسئله رشد مذهب و اسلام سیاسی در جمهوری آذربایجان
را می‌توان یکی از عوامل مهم نگرانی دولت علی‌اف و
تشدید تنش در روابط آذربایجان با ایران دانست.

در ادامه این محدودیت‌ها، در دو سال اخیر، برخی اقدامات تحریک‌آمیز دیگر دولت آذربایجان، واکنش دولت و نهاد روحانیت ایران را موجب شد: تخریب یا تعطیلی برخی مساجد مورد توجه ایران، که پایگاه فعالیت جوانان شیعی بود؛ دستگیری رهبران تشکل‌های سیاسی مذهبی؛ ایجاد محدودیت در پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی ترکی شبکه سحر صدا و سیما، که مهم‌ترین رسانه تبلیغات مذهبی و آگاهی‌بخشی سیاسی به مردم آذربایجان به شمار می‌آمد؛ اخراج «احمد کاظمی»، مدیر نمایندگی صدا و سیما در باکو و مؤسس شبکه سحر، در آذر ماه سال گذشته؛ بازداشت و محکومیت دو سالدۀ «آنا بایراملی»، خبرنگار شبکه سحر در ۲۲ خرداد سال جاری؛ ایجاد محدودیت برای فعالیت نهادها و مؤسسات خیریه ایرانی، مانند کمیته امداد؛ بازگرداندن مسئول فرهنگی دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در جمهوری آذربایجان در ۹ خرداد ۱۳۹۱؛ و در نهایت، میزبانی مسابقات موسیقی یوروویژن. مجموع این اقدامات تنش‌آفرین را می‌توان موجب افزایش بدبینی‌ها، اختلافات و واکنش‌های چند لایه در ایران طی چند ماه گذشته دانست.

در سطح رسمی، وزارت امور خارجه چندین بار سفیر جمهوری آذربایجان را به وزارت خارجه فراخواند و اعتراض شدید ایران را به این سیاست‌ها و حوادث ابلاغ کرد. در سطح مذهبی، سیاست‌های ضد‌مذهبی آذربایجان واکنش و اعتراضات مراجع و علمای قم و ائمه جمعه تهران و استان‌های آذربایجان ایران را در پی داشت. همچنین، بیانیه‌ها و اظهارات گسترده مراجع، نهادها و شخصیت‌های مذهبی، تجمعات اعتراض‌آمیز مکرر

در برابر کنسولگری جمهوری آذربایجان در تبریز نسبت به برگزاری مراسم یوروویژن و مخالفت با حضور و نمایش همجنس‌گرایان در این مراسم در خرداد ماه ۱۳۹۱، نشان‌دهنده حساسیت جامعه مذهبی ایران نسبت به سیاست‌های مذهبی دولت علی‌اف بود؛ البته، واکنش‌های اعتراض‌آمیز ایران به سطح غیررسمی و مذهبی محدود نشد. اظهارات سردار «فیروز آبادی»، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، درباره سیاست‌های مذهبی و رابطه این کشور با اسرائیل را می‌توان تندترین واکنش ایران به شمار آورد. سردار فیروز آبادی مقامات باکو را به بدرقتاری با فعالان مذهبی و نشان دادن چراغ سبز به حضور و فعالیت‌های «صهیونیست‌ها» در خاک آذربایجان متهم کرد.

از سوی دیگر، قتل غافل‌گیرانه «رافیق تقی» در سالگرد صدور فتوای مرحوم «آیت‌الله فاضل لنکرانی»، اظهارات سردار فیروز آبادی و اعتراضات گسترده علیه برگزاری مراسم یوروویژن تنش بین دو کشور را تشدید کرد و مواضع منفی دولت، رسانه‌ها و حتی احزاب مخالف آذربایجان علیه ایران، به ویژه مراجع و روحانیت افزایش داد. دولت علی‌اف، صدا و سیما، مراجع و نهادهای دینی ایران را به صدور اسلام افراطی، تروریسم، تبلیغات منفی و مداخله در امور داخلی آذربایجان متهم و در پاسخ به اعتراضات اخیر جامعه مذهبی ایران، برخی انجمن‌های مستقل یا وابسته به حزب حاکم را به تجمعات اعتراض‌آمیز در برابر سفارت ایران در باکو ترغیب کرد که با چراغ سبز دولت، این اعتراضات برخی هنجارشکنی‌ها و بی‌حرمتی‌ها را نسبت به مقامات بلندمرتبه سیاسی و مذهبی کشور موجب شد. پیامد تکرار این تجمعات و هن‌آلود، فراخوان سفیر ایران از باکو و نیز متقابلاً، فراخوان سفیر آذربایجان از تهران بود.

در مجموع مسئله رشد مذهب و اسلام

سیاسی در جمهوری آذربایجان را می‌توان یکی از عوامل مهم نگرانی دولت علی‌اف و تشدید تنش در روابط آذربایجان با ایران دانست. دولت علی‌اف فعالیت‌های مذهبی و تبلیغاتی ایران را برای تأثیر گذاری روی شیعیان آذربایجان، خطری امنیتی برای حاکمیت خود می‌داند و نهادهای مذهبی و حتی امنیتی تهران را به سازماندهی و تحریک فعالان مذهبی متهم می‌کند.

رابطه با اسرائیل، منشأ تشدید بی‌اعتمادی

گسترش روابط همه‌جانبه جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی در دو سال اخیر، به ویژه رسانه‌ای شدن قراردادهای کلان تسلیحاتی بین دو کشور در ماه جاری، روابط ایران و آذربایجان را بیش از پیش متشنج کرد. بی‌اعتنایی مقامات باکو به نگرانی‌ها و دغدغه‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه پس از ترور دانشمندان و کارشناسان هسته‌ای ایران و بی‌توجهی به هشدارهای مقامات نظامی و سیاسی ایران، بی‌اعتمادی عمیقی را بر روابط دو کشور حاکم کرد.

بیشتر کارشناسان گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل را مبتنی بر نیازها، اهداف و الزامات امنیتی متقابل دو رژیم می‌دانند. آذربایجان دلایلی مانند تحریم تسلیحاتی این کشور از سوی آمریکا و اروپا، نیازها و ضرورت‌های امنیتی این کشور برای تجهیز و نوسازی ساختار نظامی خود برای بازپس گیری ۲۰ درصد از مناطق اشغال شده از سوی ارمنستان، تداوم و تعمیق روابط ایران با ارمنستان به منزله دشمن اصلی این کشور و اتهام همکاری ایران با ارمنه قریب‌الزمان را زمینه‌های توسعه روابط نظامی - امنیتی با اسرائیل اعلام می‌کند؛ اما برخی صاحب‌نظران نیازها و اهداف امنیتی - اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در منطقه، به ویژه در ارتباط با ایران را عامل مهم‌تری برای گسترش و تعمیق همکاری‌های امنیتی این رژیم با همسایه

شمالی ایران می‌دانند. عواملی مانند تحولات سیاسی انقلابی در خاورمیانه و سقوط دولت‌های عربی متحد غرب و رژیم صهیونیستی و روی کار آمدن دولت‌های اسلام‌گرای مستقل، که می‌تواند زمینه‌انزوای بیشتر این رژیم در منطقه باشد، گسترش تنش در روابط این رژیم با جمهوری اسلامی در مسئله هسته‌ای، کاهش و اختلال در روابط سیاسی و نظامی رژیم صهیونیستی با ترکیه، که به دنبال افشای نقش این رژیم در تسلیح و تقویت پ.ک.ک، تحقیر دیپلماتیک سفیر ترکیه، به ویژه حمله ناوهای جنگی آن به کشتی آزادی مرمره و قتل نه تن از شهروندان ترکیه به وجود آمد، مجموعه عواملی بودند که خلاء امنیتی بزرگی برای اسرائیل در منطقه ایجاد کرد و به موقعیت منطقه‌ای و فرصت‌های امنیتی - اطلاعاتی آن آسیب‌های درخور توجهی وارد آورد؛ در نتیجه، توسعه روابط با آذربایجان تا حدودی می‌تواند خلأ ناشی از قطع همکاری‌های امنیتی این رژیم با ترکیه را جبران کند. در مجموع، این زمینه‌ها را می‌توان در انگیزه مضاعف این رژیم در گسترش همکاری‌های نظامی و امنیتی با جمهوری آذربایجان در دو سال گذشته مؤثر دانست.

با توجه به علنی شدن برخی اطلاعات آشکار و پنهان مانند اطلاعات «ویکی لیکس» در سال گذشته از انگیزه‌ها، ابعاد و اهداف روابط و همکاری‌های دو کشور که منشأ آن سفارت آمریکا در باکو بوده است، اعتراضات مکرر ایران به مقامات جمهوری آذربایجان افزایش یافت و این کشور در بیانیه‌های وزارت خارجه و اظهارات مقامات سیاسی و نظامی افزون بر اسلام‌ستیزی به همکاری با سرویس جاسوسی موساد در ترور کارشناسان هسته‌ای متهم شد. دولت آذربایجان به جای کاهش سطح روابط با این رژیم و توجه به نگرانی‌های امنیتی جمهوری اسلامی، طی یک سال گذشته در چند مرحله، نزدیک به چهل نفر از اتباع خود یا کشورهای ثالث را به اتهام همکاری با سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران برای انجام عملیات تروریستی علیه مراکز و منافع اسرائیل یا آمریکا در آذربایجان بازداشت کرد و بدین ترتیب، روابط دو طرف تیره شد.

تحریک ناسیونالیسم قومی، زمینه‌ای برای تداوم تنش

افزون بر دو موضوع اسلام‌گرایی و مسئله رژیم صهیونیستی، توجه مقامات و برخی محافل سیاسی و رسانه‌ای جمهوری آذربایجان به موضوع آذری‌های ایران، عوامل دیگری برای تداوم تنش بین ایران و جمهوری آذربایجان بوده است. برگزاری سومین کنگره آذربایجانی‌های جهان در باکو در سال ۱۳۹۰ و طرح موضوعاتی چالش‌برانگیز از طرف الهام علی‌اف و دیگر جریان‌ها و فعالان قوم‌گرای رادیکال درباره مسائل و حقوق فرهنگی آذری‌های ایران سبب شد تا دولت و نیز نظام رسانه‌ای و محافل ایرانی واکنش اعتراض‌آمیز گسترده‌ای داشته باشد. اعتراض باکو به مسائل مربوط به آذری‌های ایران یا



طرح موضوعات مرتبط به آن در سطح بین‌المللی، مانند شورای اروپا، از طرف جمهوری اسلامی مداخله در امور داخلی و نیز نقض قوانین بین‌المللی و موازین حسن هم‌جواری تلقی می‌شود؛ بنابراین، تحریک و تقویت ناسیونالیسم قومی در میان آذری‌های ایران مهم‌ترین تهدید امنیتی برای یک پارچگی اجتماعی و سرزمینی جمهوری اسلامی است. تجدیدنظر یا تحول در سیاست قومی مقامات باکو، که طی دو دهه گذشته پس از روی کار آمدن حیدر علی‌اف راهبرد متفاوت‌تری از «انلچی بیگ» و حزب جبهه خلق در پیش گرفته بودند و به طور مستقیم یا رسمی، به مسائل آذری‌های ایران نمی‌پرداختند، می‌تواند به یکی از مهم‌ترین عوامل تعمیق تنش در روابط دو کشور تبدیل شود.

نتیجه‌گیری

به غیر از مؤلفه‌ها و زمینه‌های ثابت و متغیر یاد شده، چالش‌های دیگری نیز مانند اختلافات مربوط به رژیم حقوقی دریای خزر، خطوط ترانزیت انرژی و همکاری‌های نظامی آذربایجان با آمریکا و ناتو برای تداوم تنش در روابط ایران و جمهوری آذربایجان وجود دارد. با وجود تفاوت در عناصر قدرت ملی و توان ژئوپلیتیکی دو کشور و نیز تمایز در ساختارهای سیاسی، ویژگی مشترک بین دو کشور، برخی تهدیدهای امنیتی داخلی و خارجی یا به عبارتی دیگر، ناامنی محیطی دو دولت است. این ویژگی‌ها باعث شده تا موضوعات مورد اختلاف سیاسی و حتی فرهنگی به شدت امنیتی شود.

با توجه به آسیب‌پذیری‌های راهبردی و نیز ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان تداوم تنش با ایران موجب نزدیکی و پیوند استراتژیک این کشور با دولت‌های متخاصم مانند رژیم صهیونیستی و آمریکا و وابستگی به این کشورها در بلندمدت خواهد شد؛ بنابراین، چنین نیاز راهبردی‌ای موجب می‌شود تا این کشورها در تشدید و تداوم حوزه‌های تنش میان جمهوری اسلامی و آذربایجان مؤثر باشند. کاهش سطح روابط سیاسی و اقتصادی در آینده تأثیرگذاری ایران را بر جهت‌گیری داخلی و سیاست‌های راهبردی خارجی دولت آذربایجان تضعیف خواهد کرد.

آنچه مسلم است جمهوری آذربایجان نیز از تداوم و تعمیق تنش‌های بیش از ایران آسیب خواهد دید. نکته نخست اینکه، دوری این کشور از ایران و حرکت به سمت اسرائیل و کشورهای غربی به طور طبیعی می‌تواند زمینه گسترش همکاری‌ها و روابط ایران با ارمنستان و روسیه را فراهم کند و در بلندمدت، موجب تقویت موقعیت ارمنستان در قفقاز جنوبی شود؛ همچنین، با توجه به اینکه بخش غربی و شرقی این کشور از طریق خاک زمینی ایران مرتبط است، تعمیق اختلافات می‌تواند مشکلات مهمی برای آذربایجان در ارتباط زمینی با بخش غربی یا جمهوری خودمختار نخجوان ایجاد کند. نکته آخر اینکه، هر چند رشد

اسلام‌گرایی در این کشور از جمهوری اسلامی و نهاد مرجعیت در ایران تأثیر می‌پذیرد، با توجه پدیده بیداری اسلامی در منطقه، رجعت طبیعی جوامع مسلمان و احیای جنبش‌های اسلامی در منطقه، هرگونه افزایش تنش با ایران و حتی قطع ارتباط سیاسی با آن، موجب کاهش اسلام‌گرایی یا از بین رفتن اسلام سیاسی در این کشور نخواهد شد.

بر این مبنا، گام نخست، عادی‌سازی و بهبود روابط دو کشور غیرامنیتی‌سازی مسائل و موضوعات مورد اختلاف است. غیرامنیتی‌سازی پدیده‌ها در روابط دو طرف به رفع سوءظن‌ها و بی‌اعتمادی حاکم بر روابط موجود نیاز دارد. گام دوم به افزایش روابط تجاری و اقتصادی دو کشور بر می‌گردد که می‌تواند زمینه مهمی در کاهش بی‌اعتمادی دو طرف در روابط سیاسی باشد. سطح روابط اقتصادی و تجاری دو کشور در ده سال گذشته از حجم نیم میلیارد دلار فراتر نرفته است. این در حالی است که در این مدت، حجم روابط تجاری این کشور با کشورهای، مانند ترکیه و اسرائیل بین پنج تا ده برابر افزایش یافته است. با وجود ظرفیت‌های همکاری فراوان و گسترده بین دو کشور، مانند مرزهای مشترک طولانی و نیز اشتراکات فرهنگی و خویشاوندی قومی، سطح نازل روابط دو کشور نشان می‌دهد که روابط تجاری و اقتصادی دو جانبه از ملاحظات امنیتی و سیاسی تأثیر پذیرفته است. حرکت به سمت تحول اساسی در روابط تجاری و اقتصادی و تلاش برای ایجاد زیرساخت‌های لازم مانند تکمیل خطوط ریلی یا ساخت بزرگراه‌های بین دو کشور یا سرمایه‌گذاری‌های مشترک دولتی یا بخش خصوصی، از یکسو، زمینه لازم برای حرکت به سمت روابط راهبردی و کاهش دیواری اعتمادی بین دو کشور فراهم خواهد کرد و از طرف دیگر، وابستگی و نداشتن احساس نیاز استراتژیک این کشور به اسرائیل یا دیگر کشورهای متخاصم ایران را کاهش خواهد داد.

